

بۆکان له ئەمڕۆ و له میژوودا (۳)

نووسینی: تاهیر علیار

سواره ئیلخانی زاده (۲-۳)

نووسەر: عوسمان ئیلخانی زاده

کاک سواره، وادیاره ئەو شیعری پێشکەش بە خۆی کردووه، له سەر شیعری مکه به خەتی خۆی نووسیویەتی: "تقدیم به پ ټاهوورا"، له خوارموی شیعری مکه، نووسیویەتی: "سواره ئیلخانی زاده، بۆکان ۲/۴/۵"

بر سینه گرم کویری
گلی دیده‌اید؟
ایستاده‌اید به نظاره صدفی؟

در درون سرد دریا
شدهای سنگین تنهایی خدارا
دریافته‌اید؟

و بغض فروخورده یک پوچی را
در چشمان پیر ابلیس؟

دیده‌اید مردن آتشی را
در اجاق یک شب
و دشت محتضری را که از جان آفتا تهی میشود؟

و لبی را و برآن، غرو □ جاویدان خنده‌ای؟
و شوربختی چشمی، که گریه نتواند؟
و مومنی که خدایش می میرد؟

و شاعری که دریابد
هر آنچه گفته چرند است؟
چو مثبت است جوابم به ماتم بنشینید

کاک سواره، له گه‌ل ئەو شیعری ژیرموه، ئەم دیرمشی نووسیوه: "مر □ وم امان الله بیگ فرزند مر □ وم فیض الله بیگ متخلص به (شیدا) در ۱۲۲۰ در قریه البلاغ دیده به جهان گشود، متوفی به سال ۱۲۷۰"

دوش از □ لقه زل تو مرا یاد آمد

باغبان چون رخ زیبا و قد سرو تو دید

از نشاتی که اسیر خم گیسوی تو شد

کی کند ناله اثر در تو بگو سنگین دل

مثل وصل تو و منع رقیب تو مرا

موبد از رشته زنار به فریاد آمد

تیشه در دست به پای گل شمشاد آمد

دل محنت زده ما ز غم آزاد آمد

مگرت این دل بیر □ م ز پولاد آمد

به نظر مساله جنت و شداد آمد

کار فرقت چه بر آن رفت و چه بیداد آمد

خرمن عمر عزیزان همه بر باد آمد

مکن آزار دل زار تو خود میدانی

چند شیدا به تکاپو زپی دانه خال

دریژه‌ی همیه...